

آیا شش میلیون نفر کشته شده اند

بررسی جمعیت شناختی و آماری تعداد یهودیان اروپا

○ محمد جمشیدی

۱۰۳

اشاره

بی شک یکی از مهم ترین پیامدهای جنگ جهانی دوم برای منطقه خاورمیانه ، ایجاد رژیم صهیونیستی در قلب جهان اسلام و عرب است . اسرائیل اگرچه با نقشه ها و تلاشهای گسترده صهیونیستها ، در قالب ترور ، اشغال و کوچ اجباری ساکنین اصلی فلسطین ، شکل گرفت ، اما هم در مرحله تأسیس و هم پس از آن ، به شدت نیازمند حمایت کشورهای غربی از موجودیتش بوده است ، به نحوی که اگر این حمایتهای سیاسی ، مالی و نظامی نبود اکنون دیگر از اسرائیل خبری نبود. در تبیین علت حمایت غرب و بویژه امریکا از اسرائیل دلایل مختلفی ذکر می شود؛ از آن جمله وجود سیستم مشابه حکومتی ، تاریخ و سرنوشت مشترک دو ملت ، دلایل و پیش گویهای مذهبی ، منفعت و اهرم سیاسی و دلایل انسان دوستانه .

اگر چه هر یک از دلایل ، ما را بر پدیده ها و جنبشهای اجتماعی و مذهبی خاصی مثل صهیونیسم مسیحی ، راست مسیحی و همچنین پیوندهای عمیق استراتژیک و ... رهنمون می باشد؛ اما بحث ما در اینجا بیشتر پیرامون دلیل آخر یعنی نگاه انسان دوستانه غرب مسیحی به صهیونیسم است . نگاه انسان دوستانه حکایت از رنج و مشقت زیادی است که ادعا می شود یهودیان در طول تاریخ و بویژه در طول جنگ جهانی دوم از طرف مسیحیان اروپایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آیا شش میلیون نفر کشته شده اند
بررسی جمعیت شناختی و آماری تعداد یهودیان اروپا

مطالعات و تحقیقات علمی



www.iranicaonline.com



است. حتی عجیب تر آنکه گفته می شود بر اساس پیشگویی بسیار قدیمی، وعده بازگشت به سرزمین موعود، تنها زمانی تحقق می یابد که شش میلیون تن از یهودیان در دوره ای کوتاه کشته شوند.^۹

مناظره آماری: چندین میلیون یا چند صد هزار

نکته جالب تر آنکه این عدد طلایی «شش میلیون»، امری قطعی شمرده می شود اما این عدد، ادعایی هرگز اثبات نمی گردد. برای مثال می توان به دو تن از نویسندگان و تاریخ نگاران حامی هولوکاست اشاره کرد که در تعداد و نحوه رسیدن به این رقم با هم اختلاف دارند؛ «رائول هیلبرگ»^{۱۰} در کتاب خود با عنوان نابودی یهودیان اروپا^{۱۱} و «لوسی داویدویچ»^{۱۲} در کتاب جنگ علیه یهودیان^{۱۳} مدعی می شوند که ارمغان جنگ دوم برای یهودیان، بین پنج تا شش میلیون کشته بوده است.^{۱۴} اما تعداد قربانیان هر منطقه از نگاه آنان بسیار متفاوت است.^{۱۵} این همه اختلاف از کجاست؟

پیشینه

متحمل شده اند و اینک غرب، چه به دلیل انجام این ظلم و چه به خاطر سکوت در برابر این اعمال، موظف به جبران رفتار گذشتگان خود است و باید از اسرائیل به عنوان نماینده یهودیان جهان، حمایت بی حد و حصر کند. اما این رنج و مشقت و ظلم ادعا شده چیست؟ یکی از بارزترین پاسخها به این مسئله را باید در هولوکاست جستجو کرد. ادعا می شود که یهودستیزی آلمان نازی در طی جنگ دوم ناشی از ایده «راه حل نهایی»^۱ است که منجر به قتل عام عامدانه حدود شش میلیون یهودی در سرزمینهای تحت حاکمیت و یا متحد با رایش گردیده است. آیا واقعاً شش میلیون یهودی در جنگ دوم به خاطر یهودستیزی رایش کشته شدند؟ به بیان دیگر، این نوشتار به دنبال تحلیلی آماری و ارزیابی کلی از آمارهای ارائه شده در ارتباط با کشتار یهودیان است.

اولین جایی که ادعا شد شش میلیون یهودی در جنگ جهانی دوم توسط رایش عامدانه کشته شده اند، دادگاه نظامی بین المللی (IMT) بود که دو تن از کارمندان آلمانی اس. اس چنین مطالبی را اظهار داشتند. همچنین شهادت کتبی (و نه شفاهی) «ویلهم هتل»^۲ و شهادت شفاهی «دیترو ویسلینسکی»^۳، که هیچ گاه تحت بازپرسی دقیق قرار نگرفت، نیز اساس این ادعا را تشکیل می دهند. آنها اظهار می کردند که عدد شش میلیون را در گفتگوها و مکالمات «آیتمن»^۴ شنیده اند. بر این اساس، هر دو کارمند اس. اس از جایگاه متهم به جایگاه شاهد منتقل شدند و در واقع با این انتقال، جان خود را نجات دادند. هتل نیز اگرچه سهمی اساسی در کوچ اجباری یهودیان داشت اما برخلاف آیتمن که اعدام شد، حتی بازجویی هم نشد و پاداش شهادتهایش را گرفت.^۵

«دیوید ایروینگ»^۶، تاریخدان برجسته انگلیسی متعجبانه اظهار می دارد که چگونه برخی از گروههای صهیونیستی، از ژوئن ۱۹۴۵ یعنی دقیقاً پس از اتمام درگیریها در اروپا، علی رغم بحران و آشوب شدید حاکم بر فضای بعد از جنگ در اروپا، قادر بوده اند تعداد کشتگان یهودی را (شش میلیون نفر) شمارش کنند. حتی برخی افراد از چهارم ژانویه ۱۹۴۵، یعنی چهار ماه پیش از اتمام درگیریها در اروپا، مدعی کشته شدن شش میلیون یهودی بوده اند و مجله «ریدرز دایجست»^۷ نیز در فوریه ۱۹۴۳ از کشتار سه میلیون یهودی سخن می گوید.^۸

اما ادعای کشته شدن بی شمار یهودیان، تنها به این دوران ختم نمی شود و به گذشته های دورتر نیز باز می گردد. در مجموعه مقالاتی که پس از جنگ اول جهانی منتشر شدند نیز ادعایی مبنی بر شش میلیون قربانی یهودی در هولوکاستی وجود دارد که در اروپای شرقی روی داده

جدول ۱: توزیع قربانیان ادعا شده برای هولوکاست بر اساس محل قتل عام

محل	هیلبرگ	داویدویچ
آشویتس	یک میلیون	۲ میلیون
تربلینکا	۷۵۰ هزار	۸۰۰ هزار
بلزک	۵۵۰ هزار	۶۰۰ هزار
سایببور	۲۰۰ هزار	۲۵۰ هزار
چلمنو	۱۵۰ هزار	۳۴۰ هزار
مایدانک	۵۰ هزار	یک میلیون و ۳۸۰ هزار
کل کمپها	۲ میلیون و ۷۰۰ هزار	۵ میلیون و ۳۷۰ هزار
دیگر کمپها	۲ میلیون و ۴۰۰ هزار	۵۶۳ هزار
جمع کل	۵/۱۰۰/۰۰۰	۵/۹۳۳/۰۰۰

اولین بحث در روش کار را شیوه تعریف «قربانی» تشکیل می‌دهد. سنینگ و بنز دو تعریف کاملاً متفاوت از قربانی ارائه می‌دهند. سنینگ، قربانی را کسی می‌داند؛ که به سبب کشتار مستقیم و عامدانه و بر اساس سیاستهای حکومت سوسیال ناسیونالیست آلمان از بین رفته باشد.^{۲۷} اما بنز قربانیان هولوکاست را شامل تمام مفقودین یهودی جنگ دوم می‌داند؛ از جمله یهودیانی که در ارتش سرخ شوروی می‌جنگیدند؛ قربانیان کوچهای اجباری و اردوگاههای کار اجباری شوروی و تغییر آیین مذهبی.^{۲۸}

مهم تر آنکه، بنز به کلی مهاجرت یهودیان را در طی جنگ دوم و پس از آن به فراموشی می‌سپارد. این مطلب، یکی از مباحث اساسی در تعیین تعداد قربانیان است. بنز مهاجرت یهودیان را به امریکا و فلسطین نادیده می‌گیرد و از آن بحثی نمی‌کند.^{۲۹}

جدول شماره ۲

بنز	یهودیان پیش از جنگ	یهودیان ۱۹۴۵	مرگ و میر	قربانیان
آلمان	۲۳۵/۰۰۰ - ۱۶۴/۰۰۰	۲/۰۰۰		۱۳۹/۰۰۰ - ۱۷۴/۰۰۰
اتریش	۶۰/۰۰۰	۵/۰۰۰		۴۸/۷۶۷
جمع کل	۲۹۵/۰۰۰ - ۲۲۴/۰۰۰	۲۵/۰۰۰		۱۸۸/۰۰۰ - ۲۲۳/۰۰۰

این در حالی است که حتی خود آلمان نازی نیز با گروههای صهیونیست موافقت نامه‌های «هاوارا»^{۳۰} و موافقت نامه «رابلی - وولنات»^{۳۱} را برای انتقال اشخاص یهودی و اموال آنها به اسرائیل، امضا کرده بود.^{۳۲} این مهاجرتها، از پیش از جنگ دوم آغاز و در سال ۱۹۴۱ با اختلال مواجه شد و در سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ به اوج خود رسید. همچنین بنز، خیلی خلاصه به مهاجرتها توجه می‌دهد که در اروپای شرقی رخ داد. مثلاً تعداد زیادی از یهودیان لهستانی توانستند قبل از رسیدن ارتش آلمان از لهستان به سمت شرق فرار کنند و یا شماری از یهودیانی که توسط حکومت شوروی در سالهای ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ به سبیری کوچانده شدند. در حالی که سنینگ با توجه جدی نسبت به این رویدادها، فقط تعداد یهودیان لهستانی را که توانستند از ارتش آلمان فرار کنند یک میلیون نفر می‌داند. از نگاه سنینگ که مبتنی بر سازمانهای خیریه یهودی است حدود پانصد هزار تا یک میلیون نفر، به سمت شرق و شوروی مهاجرت کردند و استنادات فراوانی برای آن می‌آورد. این در حالی است که بنز اصلاً در این باره صحبت نمی‌کند. با توجه به اینکه کتاب و استدلالات سنینگ قبل از کتاب بنز ارائه شده لذا مطمئناً بنز از این مباحث بی‌خبر

با توجه به این جدول، اختلاف شمار کشته‌های اردوگاه مایدانک بیش از یک میلیون و ۳۳۰ هزار نفر است ولی هر دو نویسنده حامی هولوکاست، میزان کمبود عددی خود را تحت عنوان «دیگر مکانها» قرار می‌دهند تا به عدد مقدس (!) ۶ میلیون نزدیک شوند.

محققان مکتب تاریخ حقیقی^{۱۶} که این اعداد و ارقام را نادرست می‌دانند، مبانی ادعا و روش آمارگیری حامیان هولوکاست را شدیداً به چالش می‌کشند. اینان، بارها به شماره ۱۲ ژوئن ۱۹۴۶ روزنامه سوئسی بسلر ناچیرچین^{۱۷} اشاره کرده‌اند که تعداد کل کشته شدگان یهودی جنگ دوم جهانی را حداکثر یک و نیم میلیون نفر برشمرده است. همچنین، محققان مکتب تاریخ حقیقی، به گزارش فعالیتهای پس از جنگ صلیب سرخ اشاره می‌کنند که بر آن اساس، هیچ‌گونه کشتار نظام مند یهودیان در اتاقهای گاز وجود ندارد.^{۱۸}

چالش مکتب تاریخ حقیقی

از اوایل دهه ۱۹۸۰، بحث کشته شدگان یهودی دوران جنگ جهانی دوم، با چالش آماری و جمعیت شناختی دقیق مواجه شد. در واقع، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در مواجهه با تعداد قربانیان یهودی، دو جبهه مخالف هم وجود دارند. اول، مدعیان شش میلیون قربانی که می‌توان مهم‌ترین و شاخص‌ترین تحلیل‌گر آماری آنها را «ولفگانگ بنز»^{۱۹} معرفی کرد.^{۲۰} بنز در سال ۱۹۹۱ با همکاری هفده نویسنده، کتابی ۵۸۵ صفحه‌ای منتشر کرد و برای ادعای شش میلیونی خود، استدلالاتی آماری ارائه داد. در کتاب ابعاد نسل‌کشی^{۲۱} که به همت بنز و همکارانش نوشته شده، هر یک از نویسندگان، مأمور بررسی اوضاع و احوال یهودیان در پیش و پس از جنگ دوم در هر یک از کشورهای زیر سلطه و یا متحد رایش بودند.^{۲۲} در جبهه مقابل نیز «والتر. ان. سنینگ»^{۲۳} به تنهایی و با تکیه بر منابعی اکثراً یهودی، تعداد کشته شدگان هولوکاست را دقیقاً معلوم می‌نماید. اما جالب اینجاست که سنینگ در کتاب ۲۳۹ صفحه‌ای خود با عنوان زوال یهودیت اروپای شرقی^{۲۴} مرگ حدود چندصد هزار یهودی را قطعی می‌داند. به اعتقاد سنینگ، تعداد نهایی قربانیان هولوکاست چیزی حدود سیصد هزار نفر است.^{۲۵} اما علت این همه اختلاف در چیست؟

علت اختلاف رقمی

اگر خوش‌بینانه، بپذیریم که ریشه این اختلاف عظیم رقمی در تعصبات شخصی نیست باید به مهم‌ترین عامل یعنی «روش کار» اشاره کرد. از این رو به جنبه‌های گوناگون اختلاف در روش کار بنز و سنینگ اشاره می‌کنیم و در نهایت با ارائه چند مثال آماری آن را تأیید می‌کنیم.^{۲۶}

نبوده و از قصد به این مسئله نپرداخته است؛ و شاید از ارائه استدلال در مقابل آن عاجز بوده است.

مسئله دیگر، شیوه جمع و تفریق تعداد یهودیان است. در روش بنز، تعداد کل یهودیان بر اساس اولین سرشماری پس از جنگ جهانی دوم در هر یک از کشورهای درگیر جنگ، از تعداد یهودیان بر اساس آخرین سرشماری در این کشورها، کم شده است. در این روش، بنز اصولاً توجهی به مهاجرتهای یهودیان به امریکا و فلسطین و دیگر کشورها ندارد. حتی با آنکه سرشماریهای پس از جنگ به علت فضای آشوب و بحران، دقیق نیستند و یا پس از چندین سال از پایان جنگ گرفته شده اند، اما بنز حتی توجهی به صحت آمار ارائه شده توسط شوروی ندارد، چرا که شوروی به خاطر تضاد ذاتی حکومتش با مذهب، اصولاً آزادی مذهبی را سرکوب می کرد. بر این اساس، بسیاری از یهودیان ساکن در شوروی، مذهب خود را مخفی می کردند. درباره تغییر مذهب یهودیان بحث خواهد شد.^{۳۳}

اشکال دیگر روش کار بنز، وجود نویسندگان مختلف است. در طی سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ مرزهای کشورهای اروپایی دستخوش تغییراتی شد. بر اساس روش کار بنز، هر کشور به یک نویسنده اختصاص داده شده تا به دقت، جمعیت یهودی پیش و بعد از جنگ دوم را ارزیابی کنند. اما تعداد زیاد نویسندگان باعث شد سرزمینهای مختلفی که بین کشورهای اروپایی رد و بدل شده اند، مورد توجه دو نویسنده مختلف قرار بگیرد و عملاً شاهد هم پوشانی کار آنها و در نهایت تکرار محاسبه جمعیت یهودی آن منطقه باشیم. در حالی که سنینگ به خاطر تنها بودن، فارغ از این مشکل بود.^{۳۴}

آلمان و اتریش

بر اساس گزارش ماهیانه بنیاد یهودیان رایش به دفتر امنیتی اصلی رایش،^{۳۵} تعداد یهودیان آلمان در زمان حکومت رایش برابر با ۱۶۴ هزار نفر بوده است.^{۳۶} اما در اینجا، بنز ادعا می کند که این تعداد، شامل یهودیانی می شد که والدین آنها - هر دو - نیز یهودی بودند و یهودیانی را که یکی از والدین آنها و یا یکی از اجداد آنها نیز یهودی بوده اند نیز وارد محاسبات خود می کند. بدین ترتیب، رقم مورد نظر بنز از یهودیان آلمان با ۴۳ درصد افزایش به ۲۳۵ هزار نفر می رسد.^{۳۷}

همچنین بنز اعتقاد دارد که پس از یکی شدن اتریش با آلمان،^{۳۸} یهودیان از اتریش فرار کردند. یعنی از ۲۰۶ هزار نفر جمعیت یهودی، تنها ۷۰ هزار نفر در زمان جنگ باقی ماندند که پس از آغاز مهاجرتها، ۱۵ درصد از این مقدار نیز مهاجرت کردند که در کل می توان گفت جمعیت

نهایی به ۶۰ هزار نفر می رسد.^{۳۸}

در عین حال باید توجه داشت که بین سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵، یهودیان جوان زیادی اقدام به مهاجرت کردند که به ناچار باعث افزایش نامتناسب جمعیت یهودیان پیر در مناطق تحت حاکمیت رایش و در نتیجه افزایش شمار مرگ و میر آنها گردید. درست در همین جاست که یکی از نقاط اصلی تفاوت بین دو رویکرد بنز و سنینگ در شمارش تعداد قربانیان هولوکاست مشخص می گردد. همان طور که گفتیم، بنز، تعداد قربانیان را بر اساس تفریق تعداد یهودیان پس از جنگ از تعداد آنها در پیش از جنگ به دست می آورد.^{۳۹} در این نگاه، عملاً توجهی به موضوع علت افزایش مرگ و میر نمی شود که به خاطر مهاجرت جوانان و غالب بودن جمعیت پیران است. با این حال سنینگ، توجه کافی به این مسئله دارد. بر این اساس می توان ۲۱ هزار نفر از آلمان و ۲۶ هزار و ۶۹۲ نفر از یهودیان اتریش را شمرد که مهاجرت کرده در دیگر کشورها از بین رفته اند و بدین ترتیب عملاً دوبار، یک بار در آلمان و اتریش و بار دیگر در کشور هدف، محاسبه شده اند.^{۴۰}

جدول شماره ۳

سنینگ	یهودیان پیش از جنگ	یهودیان ۱۹۴۵	مرگ و میر	مفقودین
آلمان	۱۶۴/۰۰۰	۲۷/۰۰۰	۱۴/۰۰۰	۱۳۳/۰۰۰
اتریش	۵۱/۰۰۰	۹/۰۰۰	۵/۰۰۰	۳۶/۰۰۰
جمع کل	۲۱۴/۰۰۰	۳۶/۰۰۰	۱۹/۰۰۰	۱۵۹/۰۰۰

فرانسه

گفته می شود که در نیمه اول سال ۱۹۴۲، ۷۵ هزار یهودی از فرانسه به آشویتس کوچانده شدند. همچنین گفته می شود که پس از اتمام جنگ، تنها ۲۵۰۰ نفر از آنان، رسماً بازگشت خود را به فرانسه ثبت کرده اند. یعنی ۹۷ درصد آن جمعیت نابود و محو گردیده اند. در واقع این همان روش بنز است اما در عوض، سنینگ اعتقاد دارد که اکثر این یهودیان، یعنی چیزی حدود ۵۲ هزار نفر، اصولاً تابعیت ملتهای دیگر مثل آلمان، اتریش، لهستان و چکسلواکی را داشتند. همچنین حکومت فرانسه هوادار آلمان، موافقت کرده بود که تمام افرادی را که شهروند فرانسه نیستند و یا اینکه به تازگی شهروند فرانسه شده اند از فرانسه بیرون کند. حال پس از پایان جنگ، انتظار می رود چند درصد از این یهودیان که اصولاً فرانسوی نیستند و تنها مدت اندکی در فرانسه

بوده‌اند دوباره به فرانسه برگردند و خود را معرفی کنند.^{۴۱}

یونان و یوگسلاوی

در مورد یونان، سنینگ به منابع بهتری استناد می‌کند چرا که وی به آمار یونان در پیش از جنگ دسترسی داشته است اما بنز به آمار سال ۱۹۳۱ یونان استناد کرده است. سنینگ به علت حجم عظیم مهاجرت‌ها، رقم ۶۵ هزار یهودی را برای یونان تخمین می‌زند. اما بنز بر این باور است که حداقل ۷۵ هزار یهودی در یونان پیش از جنگ زندگی می‌کرده‌اند.^{۴۲} در مورد یوگسلاوی هر دو آنها از آمار سال ۱۹۳۱ استفاده می‌کنند که به ۶۸ هزار یهودی اشاره کرده است. در عین حال بنز تخمین می‌زند که چهار هزار نفر بر این جمعیت اضافه شده و پنج هزار نفر نیز احتمالاً پناهنده خارجی وجود داشته، سه تا پنج هزار نفر نیز از یهودیان، مذهب خود را مخفی کرده‌اند و لذا جمعیت یهودی یوگسلاوی را بین دوازده تا پانزده هزار نفر افزایش می‌دهند. اما سنینگ بر این باور است از آنجا که یوگسلاوی از سال ۱۹۳۹ به بعد به شدت ضدیهودی شد لذا تعداد مهاجرت به داخل و خارج با هم مساوی‌اند.^{۴۳}

مجارستان

مجارستان در پیش و پس از جنگ مرزهای یکسانی داشت اما در طی این دوره، اقدام به تصرف و الحاق برخی سرزمین‌ها به خود کرد. بنز و سنینگ برای سرزمین اصلی مجارستان ۴۰۱ هزار نفر یهودی ذکر می‌کنند. یهودیان متصرفات نیز حدود ۳۲۴ هزار نفر هستند که جمعاً حدود ۷۲۵ هزار نفر می‌شوند. اما بنز ادعا می‌کند که باید صد هزار نفر یهودی که دین خود را پنهان کرده‌اند و ۵۰ هزار نفر یهودی مهاجر از لهستان را نیز بر آنها افزود که در کل ۲۰ درصد به جمعیت یهودیان مجارستان می‌افزاید. از آنجا که مجارستان اقدام به تصرف سرزمین‌های همسایه کرده بود، مورد بسیار خوبی برای نشان دادن مشکل هم‌پوشانی سرزمینی و مطالعه دو نویسنده درباره یک سرزمین و در نهایت شمارش و محاسبات دوباره می‌باشد، به نحوی که با این دوباره شماری، تعداد ۱۶۱ هزار و ۸۳۳ نفر به تعداد یهودیان مجارستان می‌افزاید.

همچنین درباره تعداد قربانیان، ادعا می‌شود که بین چهارصد تا پانصد هزار یهودی به آشویتس برده شده‌اند. بنز می‌گوید براساس دادگاه نظامی بین‌المللی در بهار و اوایل تابستان ۱۹۴۴ تعداد ۴۴۴ هزار و ۱۵۲ نفر یهودی به آشویتس برده کشته شده‌اند. اما سنینگ می‌گوید بر اساس مدارک و اسناد صلیب سرخ که در گزارش سال ۱۹۴۸ آمده است، هیچ اخراجی به

آیا شش میلیون نفر کشته شده‌اند

آشویتس وجود نداشته فقط بحث از مصیبت و رنج یهودیان در اکتبر ۱۹۴۴ می‌کند. در واقع اخراج‌هایی وجود داشته اما نه به مقصد آشویتس بلکه به مقصد دیگر اردوگاه‌های کار اجباری. بر این اساس، سنینگ تعداد یهودیان را در مجارستان دویست هزار نفر پس از جنگ می‌داند. در حالی که بنز با قربانی و کشته معرفی کردن یهودیانی که مسیحی شده‌اند، آنها را نیز به رقم قربانیان هولوکاست می‌افزاید.^{۴۴}

لهستان

لهستان بیشترین جمعیت یهودیان را در خود جای داده بود. بر اساس آمار سال ۱۹۳۱ تعداد یهودیان لهستان ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر بوده است. بنز برای رسیدن به آمار قربانیان سه کار می‌کند. اول آنکه افزایش جمعیت یهودی در لهستان با نرخ افزایش جمعیت کلی لهستان برابر باید باشد. لذا در سال ۱۹۳۹ جمعیت آنها به ۳/۴۵۰ میلیون نفر رسیده است. دوم آنکه، یهودیان سرزمین‌هایی که بعداً توسط آلمان اشغال شدند همگی آنجا مانده‌اند و هیچ مهاجرت و فراری در کار نبوده است. لذا دو میلیون یهودی زیر سلطه آلمان رفته‌اند. در نهایت نیز تعداد یهودیان بعد از جنگ را، یعنی دویست هزار نفر، از این دو میلیون کم می‌کند. اما بنز در اینجا هیچ بحثی از مهاجرت یهودیان در کشوری نمی‌کند که به شدت ضدیهود گردید و احتمال فرار آنها از دست ارتش آلمان نمی‌رفت و در واقع، همه متغیرها را ثابت نگه می‌دارد. این در حالی است که بر اساس آمار کمیته امریکایی - انگلیسی درباره وضعیت یهودیان در اروپا در سال ۱۹۴۶ تنها حدود هشتصد هزار نفر در لهستان پس از جنگ حضور داشتند.^{۴۵}

اما بنز در نهایت اظهار می‌کند که سیصد هزار تن از یهودیان لهستان، فرار کرده‌اند. سنینگ نشان می‌دهد که سازمان‌های خیریه یهودی آن زمان رقم ششصد هزار تا یک میلیون یهودی لهستانی را ذکر می‌کند که به شوری فرار کرده به سبیری کوچانده شده‌اند. در نهایت، سنینگ ادعا می‌کند که تنها حدود ۷۵۰ هزار یهودی در لهستان زیر سلطه آلمان باقی ماندند که ۱/۲۵۰ میلیون نفر کمتر از رقم پیشنهادی بنز است.^{۴۶}

نگاه کلی

آوردن آمار و ارقام کشورهای مختلف درگیر با آلمان در جنگ دوم جهانی و مقایسه دو رویکرد، کاری سنگین و نیازمند دقت زیادی است که از حوصله نوشتار حاضر خارج است. در اینجا تلاش بر آن بود که تنها چند مثال از برخی کشورها آورده شود. اما کاملاً می‌توان تفاوت نگاه بنز و سنینگ و لزوم کاهش ارقام را به خاطر شمارش مجدد، در جدول ذیل مشاهده کرد.^{۴۷}

جدول شماره ۵

مهاجرت یهودیان اروپا در قبل و بعد از جنگ جهانی دوم

پیش از جنگ	بعد از جنگ (سال میلادی)	مقصد
۲۹۳/۰۰۰ (۴۲ - ۳۲)	۷۳/۰۰۰ (۴۸ - ۴۵) ۵۸۵/۰۰۰ (۷۰ - ۴۸)	فلسطین اسرائیل
۴۰۶/۰۰۰ (۴۳ - ۳۳) ۱۸۰/۰۰۰ (دهه ۳۰)	۴۹۰/۰۰۰ ۱۵۰/۰۰۰	آمریکا آمریکای لاتین کانادا - استرالیا - انگلستان
۹۰/۰۰۰ (دهه ۳۰)	۲۵۰/۰۰۰	و افریقای جنوبی
۹۶۹/۰۰۰	۱/۵۴۸/۰۰۰	جمع کل

جمع بندی

رویکرد آماری بنز، قربانیان کوچهای اجباری شوروی، بمبارانهای هوایی متفقین، تلفات اردوگاههای کار اجباری، کشته شدگان یهودی ارتش شوروی و فعالیتهای پارتیزانی را یک کاسه می کند و همه را جزو قربانیان هولوکاست به شمار می آورد. اگر چه می توان منابع در دسترس بنز را جدیدتر دانست اما رویکرد سنینگ در تفکیک مسائل و موضوعات از یکدیگر، منصفانه تر می باشد. در تلاش برای فهم تعداد قربانیان هولوکاست، پیشرفتهای فنی و تکنیکی نیز مؤثرند. مثلاً در جایی که ادعا می شده بسیاری از یهودیان در کوره های آدم سوزی نابود شده اند بعداً توسط عکسهای هوایمای شناسایی متفقین ابطال گردید. از طرف دیگر، صهیونیستها، هنوز در تلاش اند که آمار کشته شدگان را بیشتر نشان دهند و هر کسی می تواند با آدرس پستی و اینترنتی، ادعا کند که مثلاً فردی از یهودیان را می شناخته که دیگر خبری از آنها نیست و تعداد آنها به سرعت به رقم قربانیان هولوکاست اضافه می گردد، چرا که عملاً در این موارد بررسی انجام نمی گیرد.

به هر حال باید به این نکته توجه داشت اگر چه نگاه رسمی که توسط حکومتهای غربی ترویج می شود همان هولوکاست شش میلیونی است اما این رویکرد در برابر چالشهای محققان مکتب تاریخ حقیقی به شدت آسیب پذیر است و چالش ارقام، تنها یک جنبه از این جبهه مخالف است.

جدول شماره ۴

کشور	قربانیان از نگاه بنز	قربانیان از نگاه بنز (با کاهش شمارشهای دوباره)	مفقودین از نگاه سنینگ
آلمان	۱۶۰/۰۰۰	۱۳۹/۰۰۰	۱۲۳/۰۰۰
اتریش	۶۵/۴۵۹	۴۸/۷۶۷	۳۶/۰۰۰
لوکزامبورگ	۱/۳۰۰	۱/۲۰۰	
بلژیک	۲۸/۵۱۸	۲۸/۵۱۸	
فرانسه	۷۶/۱۳۴	۷۶/۱۳۴	۱۲۴/۵۰۰ (در کل)
هلند	۱۰۲/۰۰۰	۱۰۲/۰۰۰	
دانمارک	۱۱۶	۱۱۶	۱/۰۰۰ (در کل)
تروژ	۷۵۸	۷۵۸	
ایتالیا	۸/۵۶۴	۵/۹۱۴	۹/۰۰۰
آلبانی	۲۰۰	۲۰۰	۰
یونان	۵۸/۸۸۵	۵۸/۸۸۵	۵۳/۰۰۰
یوگسلاوی	۶۰/۰۰۰	۶۰/۰۰۰	۵۶/۰۰۰
مجارستان	۵۵۰/۰۰۰	۲۷۷/۰۰۰	۷۱/۰۰۰
چکسلواکی	۱۴۳/۰۰۰	۱۶۴/۰۰۰	۱۱۲/۰۰۰
رومانی	۲۱۱/۲۱۴	۱۰۷/۲۹۵	۳۷/۴۲
بلغارستان	۱۱/۳۹۳	۰	-۷/۶۰۰
لهستان	۲/۷۰۰/۰۰۰	۱/۸۰۰/۰۰۰	۵۱۶/۵۱۱
شوروی	۲/۱۰۰/۰۰۰	۲/۸۹۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰
جمع کل	۶/۲۷۷/۴۴۱	۵/۷۵۹/۷۸۵	۱/۱۱۳/۱۵۳

23. Walter N. Sanning.
24. The Dissolution of Eastern European Jewry.
- 25- The Dissolution of Eastern European Jewry, PP. 110.
- 26- Lectures on the Holocaust, Germar Rudolf, PP. 32-35.
- 27- The Dissolution of Eastern European Jewry, P. 45.
- 28- Lectures on the Holocaust, P.35.
- 29- Dissecting the Holocaust, P. 185.
30. Haavara.
31. Rublee – Wohlthat.
- 32- Lectures on the Holocaust, P. 37.
- 33- I bid, PP. 36-38.
- 34- I bid, PP. 37 – 42.
35. Reich Security main office.
- 36- I bid, PP. 34.
- 37- I bid, PP. 35.
- 38- Holocaust Victims: A statistical Analysis, P. 184.
- 39- I bid, P. 185.
- 40- I bid.
- 41- I bid, P. 186.
- 42- Dissecting the Holocaust, PP. 185-187.
- 43- The Final Solution, G. Reitlinger, As Barnes, NewYork 1961, P. 76.
- 44- Dissecting the Holocaust, PP. 185 – 189.
- 45- I bid, PP. 189-191.
- 46- I bid.
- 47- I bid, P. 200.

تجدید نظر طلبی در ابعاد دیگر مسئله هولوکاست ، بحثهای جدی دارد اما بیان این مطالب در کشورهای غربی ، نه تنها به عنوان یک جرم ، بلکه به عنوان یک گناه نگریسته می شود .

پانوشتها:

1. Final Solution.
2. Wilhelm H₂ttl.
3. Dieter Wisliceny.
4. Eichmann.
- 5- Dissecting the Holocaust, Germar Rudolf (ed), PP. 181-182.
6. David Irving.
7. Readers Digest.
- 8- International Military tribunal, trial of the Major war Criminals, IMT Nuvemberg 1947v. IV, p. 371.
- 9- Dissecting the Holocaust, PP. 181- 183.
10. Raul Hilberg.
11. The Destruction of the European Jews.
12. Lucy Davidowicz.
13. The War against the jews.
- 14- Lectures on the Holocaust, Germar Rudolf, PP. 32-33.
- 15- The Destruction of European Jews Raul Hilberg, Holmes and Meyer, NewYork 1985. P. 1219; see also: The war against the Jews, Holt, NewYork, 1975, P. 149.
16. Raul Hilberg.
17. Baseler Nachrichten, 13 June 1946, No 243, P. 2.
- 18- The Dissolution of Eastern European Jewry, W.N. Sanning, Institute for Historical Review, Costa Mesa, 1983, P. 85.
19. Wolfgang Benz.
- ۲۰- او نویسنده کتاب مشهور ابعاد نسل کشی است که در نظر حامیان هولوکاست بهترین کتاب در اثبات این افسانه محسوب می شود. در ادامه این مقاله با برخی از اساسی ترین اشکالات کار بنز و اثر گروه همکاران او آشنا می شویم .
21. Dimensions of the Genocide.
- 22- Holocaust Victims: Astatistical Analysis, Germar Radulf(ed.) 2 nd ed, Theses & Dissertations Press, Chicago, IL, 2003, pp. 181-213.

